دیدگاه

آموزه‌های دینی را هوشمندانه نمادسازی کنیم

مهدیه قمری| خبر کوتاه؛ بود و شنیدنی: «نام حضرت علی(ع) بیش از عنوان غدیر فرامذهبی، فرادینی و فرامرزی است، نام‌گذاری روز عید غدیر به aliday که رد داد، مانند نام‌گذاری روز عاشورا به hussinday». این خبر در قالب یک توییت توسط حجت‌الاسلام دکتر یحیی جهانگیری سهروردی، استاد حوزه و دانشگاه و مدیرمسئول مجله علمی مطالعات میان‌رشته‌ای اسلامی کوثر منتشر شد. در آستانه فرا رسیدن عید غدیر، با این ایشان درخصوص ایجاد این پویش، به گفت‌وگو نشستیم.

■ از اهمیت جهانی شدن نام حضرت علی(ع) بگویید؟

جریان‌های رقیب می‌خواهند مناسبت‌های دینی را طور دیگری نشان دهند؛ به عنوان مثال آن‌ها قصد دارند روز عاشورا را که برای مسلمانان روز غم و عزاداری است، به روز شادی تبدیل کنند، بنابراین دست به تحریف تاریخ می‌زنند تا روز عاشورا را به یک روز قرقه‌ای تبدیل کنند. این موضوع سبب شد محبان امام حسین(ع) دست به یک کار هوشمندانه بزنند. آن‌ها در قالب ایجاد یک پویش، روز عاشورا را با نام فرابخشی و فرامرزی hussinday به جهانیان معرفی کردند تا این اسم تبدیل به یک نام مشترک میان همه ادیان به‌ویژه مسلمانان شود تا جریان‌های رقیب نتوانند مناسبت‌های دینی را طور دیگری بیان کنند. ما باید برای همه مناسبت‌های دینی، آموزه‌های دینی را به شکل هوشمندانه‌ای نمادسازی کنیم.

■ اهمیت شخصیت فرامذهبی حضرت علی(ع) بین غیرمسلمانان، اندیشمندان و محققان غربی چگونه است؟

این پرسش را با یک خاطره پاسخ می‌دهم. در مزار شریف مسجدی قرار دارد که بر سردر آن نوشته شده، علی بن ابی‌طالب. در این مسجد در یکی از روزهای عید نوروز مراسمی برگزار می‌شود که رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر افغانستان حتماً باید در آن شرکت کند. با وجود اینکه حرم حضرت علی(ع) در شهر نجف عراق است اما مردم برای برآورده شدن دعایشان به این مسجد می‌آیند و باور دارند دعایشان برآورده شده و حاجت روا می‌شوند، بنابراین نام حضرت علی(ع) بیش از ظرفیت فرقه‌ای است، یعنی بدون اینکه کسی از حضرت سؤال کند، از جریان غدیر آن هم پیش از دوران حکومتشان صحبت کرده‌اند. شاهد مثال این قضیه خطبه ۷۴ نهج‌البلاغه به عنوان معدود خطبه‌هایی است که پیش از حکومت حضرت ایراد شده است.

در این سخنان امیرالمؤمنین(ع) خطاب به اهل شورا هنگامی که آهنگ بیعت با عثمان کردند، می‌فرمایند: «لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي أَحَقُّ النَّاسِ بِهَا مِنْ غَيْرِي؛ وَ ...»، یعنی شما خوب می‌دانید من از هر کس، به این امر خلافت شایسته‌ترم، ولی به خدا سوگند تا هنگامی که اوضاع مسلمین روبه‌راه باشد و تنها به من ستم شود، سکوت اختیار می‌کنم تا از این طریق پاداش و فضل الهی را بدست آورم و در برابر زر و زیور، پارسایی ورزیده باشم.

حکمت ۱۹۰ نهج‌البلاغه نیز نمونه جالبی از همین جنس است که حضرت در آن با اظهار تعجب می‌فرمایند: «وَا عَجَبَاهُ، أَتَكُونُ الْخِلَافَةُ بِالصَّحَابَةِ وَ لَا تَكُونُ بِالصَّحَابَةِ وَ الْقَرَابَةِ؟» یعنی عجبا! آیا معیار خلافت، صحابی پیامبر بودن است یا صحابی بودن و خویشاوندی ملاک نیست؟

جلوه دوم غدیر در نهج‌البلاغه، از طریق بیان حکومت حق است. چیزی که برای خود من عجیب است این است که حضرت به یکباره وسط سخنرانی می‌گوید؛ مثلاً در اواخر خطبه ۱۱۶ یا در خطبه ۵۱ حضرت به یکباره می‌فرمایند این اوضاعی که الان به وجود آمده به خاطر این است که شما حق را نادیده گرفتید.

جلوه سوم، یاد آوری جریان غدیر از طریق اشاره حضرت به لایق‌ترین افراد به حکومت است. برای نمونه در خطبه ۷۴ یا خطبه ۱۷۳ نهج‌البلاغه این نمونه‌ها به کنایه مطرح شده است.

چهارمین نکته در معرفی جریان غدیر، اثبات حقانیت خود به عنوان خلیفه توسط امیرالمؤمنین(ع) است. اوج این جریان، خطبه سوم نهج‌البلاغه یعنی خطبه شقشقیه است. اهمیت این خطبه در این جریان از این جهت است که برخی صرفاً به خاطر همین خطبه، تلاش کرده‌اند کل نهج‌البلاغه را زیرسؤال ببرند و در مقابلش برخی همچون سید هبة‌الدین شهرستانی کتاب مستقل نوشته‌اند که قطعاً خطبه سوم نهج‌البلاغه از امیرالمؤمنین(ع) است. در نمونه دیگر، حضرت جریان غدیر را در جواب به یک مسیر برابر قضیه خواهند گرفت، بی‌رغبتی به آنچه دیگران در آن طمع کردند و بعد هم نداشتن یاوری به جز خانواده از این دست.

حجت‌الاسلام حسین اکبری از جلوه‌های غدیر در کلام امام علی(ع) می‌گوید

غدیر به روایت امیرالمؤمنین(ع)

■ ۱۰ جلوه جریان غدیر در بیان امیرالمؤمنین(ع)

وقتی به نهج‌البلاغه نگاه می‌کنیم، دست‌کم با ۱۰ عنوان که در زیرمجموعه آن چندین خطبه و حکمت است، می‌فهمیم امیرالمؤمنین غدیر را به مثابه یک جریان مطرح کردند.

نکته اول این است که حضرت گاهی از غدیر ابتدائاً به امیرالمؤمنین و هم به غدیر نسبت می‌دهند و می‌گویند اگر حضرت علی(ع) حق خود چطور وقتی به حکومت رسید در مورد غدیر صحبت نکرد یا چرا نهج‌البلاغه دربرابر آن ساکت است؟ گفتم باید به غدیر به مثابه یک جریان نگاه کرد که اگر این نگاه حاکم شد شاهد مرگبار کلمات و واژه‌ها نخواهید بود.

نکته دوم این است که حضرت در جریان شدن این ماجرا دخالتی ندارد. با این دو نکته اگر سراغ نهج‌البلاغه برویم می‌بینیم صدر تا ذیل نهج‌البلاغه حضرت صدام این جریان را گوشزد می‌کند طوری که یک محقق نهج‌البلاغه را مات و مبهوت می‌کند.

نداشتن نهج‌البلاغه آسان است که سبب می‌شود هر وقت به ایام غدیر نزدیک می‌شویم این شبهه را هم مطرح می‌کنند که چرا در مسجد کوفه یا در منبر و محراب این‌قدر از غدیر سخن نمی‌گوید و چرا در آنها نیز سخن از غدیر نیست؟ در پاسخ باید گفت که ابتدا باید ایش از حرمت خون و مردار و گوشت خوک سخن می‌گوید و در آنها نیز حکم می‌کند در شرایط اضطرار می‌توان از چیزهایی که ممنوع شده، خورد.

همچنین آیه‌ای که صبح روز هجدهم بر پیامبر نازل شد «یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ ...»، آیه ۶۷ سوره مائده است؛ حال اینکه هر آیه از قرآن در کدام سوره و آیه چندم سوره باشد، همه به امر پیامبر(ص) است. عبارتی که در پس واقعه غدیر بر پیامبر نازل شد، در خلال آیه سوم سوره مائده است: «الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ این عبارت در خلال آیه‌ای است مستجاب شد و استجابت این نفرین خودش گواه حقانیت شهادت ۳۰ نفری بود که غدیر را نقل کردند. به هر حال اگر چهار سال و چند ماه حکومت امیرالمؤمنین(ع) نبود، الان کسی مسلمان نبود. چرا در قرآن، آیات مربوط به غدیر و ولایت امیرالمؤمنین(ع) به‌طور منسجم نیامده‌است؟

محسن فاطمی نژاد| جست‌وجوی عنوان «غدیر» در نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین(ع) همچون جستن نام «علی» در قرآن کریم است؛ آنکه به دیده ظاهر بخواهد بنگرد شبهه می‌اندازد که خبری از تصریح به ولایت علی(ع) در قرآن نیست و فرزند ابوطالب خودش نیز در نهج‌البلاغه نامی از غدیر نبرده است. در مقام پاسخ به شبهه اول یعنی تصریح به ولایت امیرالمؤمنین(ع) در قرآن کریم، مفسران با ادله متقن و فراوان به آن پاسخ داده‌اند و در مقام پاسخ به شبهه دوم، پژوهشگران احتجاج‌های فراوان حضرت به مقوله غدیر را در مناسبت‌های مختلف ذکر کرده‌اند. ما در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام حسین اکبری، پژوهشگر نهج‌البلاغه خواسته‌ایم ضمن پاسخ به این شبهه، روایت امیرالمؤمنین علی(ع) در نهج‌البلاغه را از مجرای غدیر برای ما روایت کند. پاسخ ایشان به این دو پرسش را در ادامه می‌خوانید.

■ غدیر یک جریان است نه یک واقعه صرفاً تاریخی!

زمانی از یکی از محصلان خواستم برایم در خصوص غدیر در نهج‌البلاغه تحقیق کند. رفت و پس از مدتی گفت من هرچه گشتم نتوانستم در این خصوص چیزی پیدا کنم، او گفتم اگر دو نکته را در نظر نداشته باشد، هیچ وقت نمی‌تواند از غدیر در نهج‌البلاغه چیزی پیدا کند؛ اول اینکه باید بداند از مجموعه نهج‌البلاغه شریف و متن خطبه وجود مقدس نبی اکرم این گونه برمی‌آید که غدیر یک حادثه صرف نبود بلکه یک جریان بود. باید با این نگاه سراغ نهج‌البلاغه امیر برود. از کجای خطبه غدیر و نهج‌البلاغه به این حرف می‌رسیم؟

از آنجایی که پیغمبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ آن‌ها که حضور هستند به غایبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت این خبر را برسانند. در همین عبارت نیز ویژگی جریان بودن غدیر قابل اثبات است که مهم‌ترینش همین امر به رساندن است. غدیر یک حادثه‌ای که این‌قدر تبصره و توضیح دومین نکته این بود که اگر جریان بودن غدیر را پذیرفتیم پس لزوماً نباید تأکید داشته باشیم عبارت «غدیر» حتماً در نهج‌البلاغه بیاید یا نیاید، چون چند حتی در مناطقی مانند حجاز و بحرین که جمعیت قابل توجه شیعه از قبل وجود داشت به حکایت انتظار منفی و نوعی انزوا و بی‌تحرکی حاکم شده بود و در برخی جوامع دیگر، عقیده و شریعت شیعه از اساس به فراموشی سپرده شده بود و به حساب نمی‌آمد و رویکرد ایجابی و فعال برای معرفی شیوع نداشت. امام خمینی(ره) که آمد حرکت جدیدی را ممتنی بر ضرورت پیشگامی و پیشوایی یک رهبر اسلامی برای امامت امت آغاز کرد؛ مسلمانان بتوانند با هدایت او مشکلات عقب افتاده کنند.

امام خمینی(ره) بر اساس نظریه امامت و ولایت توانست ظرفیت‌های فراوانی را در میان ملت‌های اسلامی فعال کند و چون با نگاه دقیق و عمیق خود موانع عمده تحرک ملت را می‌دید مرور به ریه قیام و انقلاب بر ضد مخالفان و موانع دعوت کرد و آن‌ها به اصلاح امور دنیوی و اخروی خود فراخواند.

■ در شرایط حاضر وظیفه پیروان اهل بیت(ع) در تعامل با دیگر مذاهب و اجزای امت اسلامی را چه می‌دانید و چگونه و از چه مسیری باید به معرفی صحیح مکتب امامت پرداخت؟

به نظر من برای معرفی مکتب امامت و ولایت در جهان اسلام پیش از هر چیز باید پیروی کاملی از فرامین و توصیه‌های ولی فقیه که جانشین صحیح مکتب امامت است داشته باشیم. توصیه ولی فقیه، دعوت به تقریب و وحدت و تلاش برای سد کردن راه نفوذ دشمنان اسلام به پیکره امت است. اگر ما نخود و انحراف نشویم فتنه‌ای مانند داعش و تکفیر اتفاق نمی‌افتد. همچنین باید زمینه همکاری‌ها و توافقات سیاسی میان دولت‌ها و مجامع را به‌وجود بیاوریم.

در حال حاضر جمهوری اسلامی در پیکار سختی با دشمنان خود مانند صهیونیسم و نظام سلطه به سر می‌برد و نیاز به یاری و همکاری همه نیروها دارد و افزایش همکاری‌ها میان بخش‌ها و جوامع اسلامی با ایران می‌تواند آن را در رسالت اساسی خود که رفع هیمنه استکبار از سر مسلمین است موفق کند. این وظیفه بیشتر جوانانی که آن زمان این مباحث را دنبال می‌کردند کمتر از ۳۰ سال سن داشتند اما پس از انقلاب اسلامی، در کشورهای عربی علاقه فراوانی برای اطلاع از مسائل تشیع به‌وجود آمده بود.

در سال‌های بعد توانستیم مباحث خود را در سطح آکادمیک و دانشگاه‌های تونس مطرح کنیم که با استقبال نخبگان و دانشگاهیان زیادی همراه بود و هم اکنون صاحبنظران متعدد و آگاهی درحوزه مکتب اهل بیت(ع) در تونس هستند و فعالیت می‌کنند.

■ انقلاب اسلامی یک حرکت برآمده از متن تشیع و حول نظریه امامت و ولایت بود اما چرا توانست در جهان اسلام و کشورهای عربی مطرح شده و مورد توجه قرار گیرد؟

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و حرکت امام خمینی(ره) حرفی از شیعه و تشیع در محافل و میان مردم کشورهای اسلامی و عربی نبود جز آنچه در گذشته درباره آن نوشته بودند که بیشتر تحریف و سخن از خیانت و جنایت شیعه بود.

به فرمایش محمد جواد مغنیه در دنیای معاصر بود. در آستانه عید غدیر با آقای محمد الرصافی، پژوهشگر برجسته تونسی و نویسنده و تحلیلگر در روزنامه‌های عربی که سال‌ها پیش با مطالعه آثار امامت، التزام به مکتب اهل بیت(ع) را برگزیده است گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ با تشکر و تبریک اعیاد قربان و غدیر لطفاً در ابتدا درباره سوابق فردی و اجتماعی خود توضیحاتی را برای مخاطبان ما بیان فرمایید.

من محمد الرصافی اهل تونس در ابتدا تا پیش از سال ۱۹۸۰ عضو حزب اسلامی الاتجاه بودم که بعدها به حزب النهضة تغییر نام یافت و پیشوایی یک رهبر اسلامی برای امامت امت آغاز کرد؛ مسلمانان بتوانند با هدایت او مشکلات عقب افتاده کنند.

تغییر مسیر من با کتاب‌های شهید مطهری آغاز شد. من از سال ۱۹۸۰ با دست و علاقه فراوان تحولات انقلاب اسلامی در ایران را پیگیری می‌کردم و دائم کتاب‌ها و مطالب مختلف ایران را می‌خواندم تا اینکه با بسیاری از همه اندیشه‌های شهید مطهری را دنبال می‌کردم و با فکر روشن او آشنا می‌شدم. از تابستان سال ۱۹۸۱ با همراهی و راهنمایی مرحوم «شیخ مبارک بعداش» از بزرگان اتباع اهل بیت(ع) در تونس سلسله مطالعاتی را درباره مفاهیم و مسائل اساسی آغاز کرد که محور آن، کتاب المراجعات علامه سید شرف‌الدین موسوی بود. همچنین کتاب دلایل الصدق علامه مظفر را مطالعه کردم.

از آنجا که علامه مظفر و کتاب دلایل الصدق به‌راحتی در دسترس قرار داشت و مراجعه به آن‌ها در محیط کم بودم دشوار نبود، مطالب و مستندات کتب علمی امامیه را با آن تطبیق می‌کردم تا صحت و پایه و درستی سخنان شیعه را بررسی کنم و می‌دیدم دیدگاه‌های تشیع مستند و منطبق است.

■ میزان توجه و علاقه شما و دیگر فعالان مسلمان در سال‌های پس از پیروزی انقلاب ایران به مکتب اهل بیت(ع) تغییر کرد؟

به کامیلا با ایمان و آگاهی و اشتیاقی که در این زمینه پیدا کردم سخنرانی در روزنامه‌های عربی که سال‌ها پیش با مطالعه آثار امامت، التزام به مکتب اهل بیت(ع) را برگزیده است گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ با تشکر و تبریک اعیاد قربان و غدیر لطفاً در ابتدا درباره سوابق فردی و اجتماعی خود توضیحاتی را برای مخاطبان ما بیان فرمایید.

من محمد الرصافی اهل تونس در ابتدا تا پیش از سال ۱۹۸۰ عضو حزب اسلامی الاتجاه بودم که بعدها به حزب النهضة تغییر نام یافت و پیشوایی یک رهبر اسلامی برای امامت امت آغاز کرد تا مسلمانان بتوانند با هدایت او مشکلات عقب افتاده کنند.

تغییر مسیر من با کتاب‌های شهید مطهری آغاز شد. من از سال ۱۹۸۰ با دست و علاقه فراوان تحولات انقلاب اسلامی در ایران را پیگیری می‌کردم و دائم کتاب‌ها و مطالب مختلف ایران را می‌خواندم تا اینکه با بسیاری از همه اندیشه‌های شهید مطهری را دنبال می‌کردم و با فکر روشن او آشنا می‌شدم. از تابستان سال ۱۹۸۱ با همراهی و راهنمایی مرحوم «شیخ مبارک بعداش» از بزرگان اتباع اهل بیت(ع) در تونس سلسله مطالعاتی را درباره مفاهیم و مسائل اساسی آغاز کرد که محور آن، کتاب المراجعات علامه سید شرف‌الدین موسوی بود. همچنین کتاب دلایل الصدق علامه مظفر را مطالعه کردم.

از آنجا که علامه مظفر و کتاب دلایل الصدق به‌راحتی در دسترس قرار داشت و مراجعه به آن‌ها در محیط کم بودم دشوار نبود، مطالب و مستندات کتب علمی امامیه را با آن تطبیق می‌کردم تا صحت و پایه و درستی سخنان شیعه را بررسی کنم و می‌دیدم دیدگاه‌های تشیع مستند و منطبق است.

■ میزان توجه و علاقه شما و دیگر فعالان مسلمان در سال‌های پس از پیروزی انقلاب ایران به مکتب اهل بیت(ع) تغییر کرد؟

به کامیلا با ایمان و آگاهی و اشتیاقی که در این زمینه پیدا کردم سخنرانی در روزنامه‌های عربی که سال‌ها پیش با مطالعه آثار امامت، التزام به مکتب اهل بیت(ع) را برگزیده است گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ با شرط و تبریک اعیاد قربان و غدیر لطفاً در ابتدا درباره سوابق فردی و اجتماعی خود توضیحاتی را برای مخاطبان ما بیان فرمایید.

من محمد الرصافی اهل تونس در ابتدا تا پیش از سال ۱۹۸۰ عضو حزب اسلامی الاتجاه بودم که بعدها به حزب النهضة تغییر نام یافت و پیشوایی یک رهبر اسلامی برای امامت امت آغاز کرد تا مسلمانان بتوانند با هدایت او مشکلات عقب افتاده کنند.

تغییر مسیر من با کتاب‌های شهید مطهری آغاز شد. من از سال ۱۹۸۰ با دست و علاقه فراوان تحولات انقلاب اسلامی در ایران را پیگیری می‌کردم و دائم کتاب‌ها و مطالب مختلف ایران را می‌خواندم تا اینکه با بسیاری از همه اندیشه‌های شهید مطهری را دنبال می‌کردم و با فکر روشن او آشنا می‌شدم. از تابستان سال ۱۹۸۱ با همراهی و راهنمایی مرحوم «شیخ مبارک بعداش» از بزرگان اتباع اهل بیت(ع) در تونس سلسله مطالعاتی را درباره مفاهیم و مسائل اساسی آغاز کرد که محور آن، کتاب المراجعات علامه سید شرف‌الدین موسوی بود. همچنین کتاب دلایل الصدق علامه مظفر را مطالعه کردم.

از آنجا که علامه مظفر و کتاب دلایل الصدق به‌راحتی در دسترس قرار داشت و مراجعه به آن‌ها در محیط کم بودم دشوار نبود، مطالب و مستندات کتب علمی امامیه را با آن تطبیق می‌کردم تا صحت و پایه و درستی سخنان شیعه را بررسی کنم و می‌دیدم دیدگاه‌های تشیع مستند و منطبق است.

■ میزان توجه و علاقه شما و دیگر فعالان مسلمان در سال‌های پس از پیروزی انقلاب ایران به مکتب اهل بیت(ع) تغییر کرد؟

به کامیلا با ایمان و آگاهی و اشتیاقی که در این زمینه پیدا کردم سخنرانی در روزنامه‌های عربی که سال‌ها پیش با مطالعه آثار امامت، التزام به مکتب اهل بیت(ع) را برگزیده است گفت‌وگو کرده‌ایم.

تاروز قیامت!

پیغمبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ آن‌ها که حاضر هستند به غایبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت این خبر را برسانند. در همین عبارت نیز ویژگی جریان بودن غدیر قابل اثبات است که مهم‌ترینش همین امر به رساندن است. اگر قرار بود غدیر یک حادثه باشد که این‌قدر تبصره و توضیح نمی‌خواست.

دومین نکته این بود که اگر جریان بودن غدیر را پذیرفتیم پس لزومی ندارد تأکید داشته باشیم عبارت «غدیر» حتماً در نهج‌البلاغه بیاید یا نیاید، چون چند حتی در مناطقی مانند حجاز و بحرین که جمعیت قابل توجه شیعه از قبل وجود داشت به حکایت انتظار منفی و نوعی انزوا و بی‌تحرکی حاکم شده بود و در برخی جوامع دیگر، عقیده و شریعت شیعه از اساس به فراموشی سپرده شده بود و به حساب نمی‌آمد و رویکرد ایجابی و فعال برای معرفی شیوع نداشت. امام خمینی(ره) که آمد حرکت جدیدی را ممتنی بر ضرورت پیشگامی و پیشوایی یک رهبر اسلامی برای امامت امت آغاز کرد تا مسلمانان بتوانند با هدایت او مشکلات عقب افتاده کنند.

امام خمینی(ره) بر اساس نظریه امامت و ولایت توانست ظرفیت‌های فراوانی را در میان ملت‌های اسلامی فعال کند و چون با نگاه دقیق و عمیق خود موانع عمده تحرک ملت را می‌دید مرور به ریه قیام و انقلاب بر ضد مخالفان و موانع دعوت کرد و آن‌ها به اصلاح امور دنیوی و اخروی خود فراخواند.

■ در شرایط حاضر وظیفه پیروان اهل بیت(ع) در تعامل با دیگر مذاهب و اجزای امت اسلامی را چه می‌دانید و چگونه و از چه مسیری باید به معرفی صحیح مکتب امامت پرداخت؟

به نظر من برای معرفی مکتب امامت و ولایت در جهان اسلام پیش از هر چیز باید پیروی کاملی از فرامین و توصیه‌های ولی فقیه که جانشین صحیح مکتب امامت است داشته باشیم. توصیه ولی فقیه، دعوت به تقریب و وحدت و تلاش برای سد کردن راه نفوذ دشمنان اسلام به پیکره امت است. اگر ما نخود و انحراف نشویم فتنه‌ای مانند داعش و تکفیر اتفاق نمی‌افتد. همچنین باید زمینه همکاری‌ها و توافقات سیاسی میان دولت‌ها و مجامع را به‌وجود بیاوریم.

در حال حاضر جمهوری اسلامی در پیکار سختی با دشمنان خود مانند صهیونیسم و نظام سلطه به سر می‌برد و نیاز به یاری و همکاری همه نیروها دارد و افزایش همکاری‌ها میان بخش‌ها و جوامع اسلامی با ایران می‌تواند آن را در رسالت اساسی خود که رفع هیمنه استکبار از سر مسلمین است موفق کند. این وظیفه بیشتر جوانانی که آن زمان این مباحث را دنبال می‌کردند کمتر از ۳۰ سال سن داشتند اما پس از انقلاب اسلامی، در کشورهای عربی علاقه فراوانی برای اطلاع از مسائل تشیع به‌وجود آمده بود.

در سال‌های بعد توانستیم مباحث خود را در سطح آکادمیک و دانشگاه‌های تونس مطرح کنیم که با استقبال نخبگان و دانشگاهیان زیادی همراه بود و هم اکنون صاحبنظران متعدد و آگاهی درحوزه مکتب اهل بیت(ع) در تونس هستند و فعالیت می‌کنند.

■ انقلاب اسلامی یک حرکت برآمده از متن تشیع و حول نظریه امامت و ولایت بود اما چرا توانست در جهان اسلام و کشورهای عربی مطرح شده و مورد توجه قرار گیرد؟

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و حرکت امام خمینی(ره) حرفی از شیعه و تشیع در محافل و میان مردم کشورهای اسلامی و عربی نبود جز آنچه در گذشته درباره آن نوشته بودند که بیشتر تحریف و سخن از خیانت و جنایت شیعه بود.

به فرمایش محمد جواد مغنیه در دنیای معاصر بود. در آستانه عید غدیر با آقای محمد الرصافی، پژوهشگر برجسته تونسی و نویسنده و تحلیلگر در روزنامه‌های عربی که سال‌ها پیش با مطالعه آثار امامت، التزام به مکتب اهل بیت(ع) را برگزیده است گفت‌وگو کرده‌ایم.

نکته‌ها

آیت‌الله جاودان

وقتی امیرالمؤمنین(ع) غدیر را به مردم یادآوری کردند

امیرالمؤمنین(ع) در طول حکومتشان به اصحاب پیامبر(ص) فرصت داد کلام پیامبر را منتقل کنند. از جمله کارهای ایشان این بود که در میدان شهر از مردم خواستند هر که در غدیر حاضر بوده و کلام پیامبر را شنیده نقل کند. ۳۰ نفر برخاستند و حدیث غدیر را نقل کردند. زید بن ارقم و انس بن مالک با اینکه در غدیر حضور داشتند، از شهادت امتناع کردند. امیرالمؤمنین(ع) به انس من مالک فرمود: چرا دلت کتمان کرد؟ پیری و فراموشی را بهانه کرد. حضرت هم فرمودند: اگر دروغ می‌گویی به برصی مبتلا شوی که نتوانی آن را بپوشانی. نفرین امام در حق او

آنکه بر حسب زمانی باید مقدم باشد بر آیه سوم که پس از غدیر بر پیامبر نازل شده‌است. علت چیست؟ چرا این آیات انسجام ندارد؟ آیا نمی‌شد سوره‌ای مجزا با نام «ولایت» در قرآن وجود می‌داشت که آیات، با ترتیب و با صراحت در مورد ولایت امیرالمؤمنین(ع) در آن سوره می‌آمد؟ علت، آن است که قرآن باید از تحریف مصون بماند.

دولت اسلام در زمان یزید به کعبه حمله کرد و آن را به آتش کشید. برای چنین دولت‌هایی خیلی ساده است که یک سوره را هم از قرآن به‌راحتی حذف کنند.

لذا طرح خواندن طوری است که آیات ولایت به گونه‌ای بیاید که کمتر جلب توجه کند و بدین گونه قرآن حفظ شود.

یادداشت

احیای غدیر در جوامع اسلامی چگونه ممکن است؟

بهمن دهستانی| مسئله جانشینی پیامبر اعظم(ص) و رهبری امت اسلام یکی از قضایای مورد توجه مسلمانان از صدر اسلام تا به امروز بوده است. بخش بزرگی از رویدادهای سال‌ها و ماه‌های پایانی حیات مبارک رسول اکرم(ص) و حوادث پس از رحلت ایشان معطوف به چگونگی امامت و رهبری جامعه اسلامی دانسته می‌شود که آثار آن به باور بسیاری از مورخان تاریخ اسلام تا به امروز باقی مانده است.

ویل دورانت، تاریخ‌نگار شهیر قرن بیستم در کتاب معروف خود به نام «تاریخ تمدن» حوادث پس از رحلت پیامبر(ص) را نوعی نزاع و درگیری در میان اصحاب او و اهالی مدینه بر سر جانشینی تصویر می‌کند که با وجود نقصان و برداشت اشتباه از آن دوره و کم اطلاعی و عدم ذکر جزئیات وقایع، اهمیت آن مقطع در سیر تاریخ اسلام را هویدا می‌سازد.

در حجةالوداع یا آخرین حج رسول خدا(ص) و نزول آیات اکمال دین در منطقه غدیر خم و اعلام ولایت، امامت و وصایت و جانشینی امیرالمؤمنین(ع)، تلاش بزرگی برای تثبیت و امتداد این واقعه عظیم در ابتدا توسط خود حضرت رسول(ص) و سپس اهل بیت(ع) و صحابی وفادار ایشان آغاز شد.

یکی از عناصر و رموز امتداد غدیر اتکای آن به قرآن به عنوان منبع نخست و مشترک تمامی مسلمانان جهان است. آیات اکمال و تبلیغ که در سوره مائده قرار دارد زیربنای واقعه غدیر و مهر تداوم آن است. اشاره نمود این است که حضرت در ادامه دلایل سکوتشان را ذکر می‌کنند. خطبه ۷۴ که پیش از این به آن اشاره کردیم در اینجا نیز مطرح می‌شود. حضرت در این باره به چند مورد اشاره می‌کنند که مقوله وحدت، اجری که باید بابت صبر بر این قضیه خواهند گرفت، بی‌رغبتی به آنچه دیگران در آن طمع کردند و بعد هم نداشتن یاوری به جز خانواده از این دست.

در نمونه ششم گاهی حضرت در جواب سؤال سائلی در خصوص غدیر پاسخ می‌دهد. این هم از نقاطی است که صراحت را می‌توان در آن مشاهده کرد. سیدرضی کلام حضرت را در این خصوص در پاسخ به فردی از طایفه بنی اسد که در سال ۳۷ هجری در صفین پرسید: چگونه شما را که سزاوارتر از همه بودید کنار زدند، در خطبه ۱۶۲ نهج‌البلاغه آورده است که نمونه صریح ورود حضرت به تبیین جریان غدیر است. هفتمین موردی که در این خصوص می‌توان به آن اشاره کرد این است که وجود مقدس امیرالمؤمنین(ع) در حین تجهیز اهل بیت(ع) که نهج‌البلاغه از این حیث سرشار است، به جریان غدیر پرداخته‌اند. به تعبیری حضرت همان طور که در حال تبیین حقانیت و ویژگی‌های اهل بیت هستند، به جریان غدیر اشاره می‌کنند. یک نمونه از ده‌ها مورد در این خصوص در نهج‌البلاغه، اواخر خطبه دوم است که حضرت می‌فرمایند: «لا یقاس بآل محمد(ص) من هذه الامة احد و...» یعنی احدی از مسلمین قابل قیاس با آل محمد(ع) نیست. حضرت در این خطبه پیش از برشمردن چندین ویژگی از اهل بیت(ع)، به‌صراحت نه تنها خلافت، بلکه وصایت کل امامان تا امام زمان را مطرح می‌کنند. حتی حضرت در اینجا افزون بر خلافت و وصایت، مقوله وراثت را نیز طرح می‌کنند.

در هشتمین جلوه جریان غدیر از نهج‌البلاغه باید گفت امیرالمؤمنین(ع) در چند جای نهج‌البلاغه که اوج آن در خطبه بیست ویکم است، وقتی که حکومت به ایشان می‌رسد، می‌فرمایند: «الْآنَ إِذْ رَجَعَ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ وَنُقِلَ إِلَى مُنْتَقَلِهِ»؛ الان حق به جایگاهش برگشت و به جایی که از آن خارج شده بود منتقل شد.

نهمین مورد، زمانی است که حضرت به تلویح و اشاره می‌فرمایند چرا حقشان را دریغ کردند. در دو جای نهج‌البلاغه حضرت دلایل را می‌شمرند. یکی در خطبه سوم است که حضرت می‌فرمایند: والله می‌دانستند حق با من است. یک مورد دیگر نیز در خطبه ۱۶۲ است.

آخرین موردی که در این زمینه می‌توان به آن اشاره نمود این است که حضرت در ادامه دلایل سکوتشان را ذکر می‌کنند. خطبه ۷۴ که پیش از این به آن اشاره کردیم در اینجا نیز مطرح می‌شود. حضرت در این باره به چند مورد اشاره می‌کنند که مقوله وحدت، اجری که باید بابت صبر بر این قضیه خواهند گرفت، بی‌رغبتی به آنچه دیگران در آن طمع کردند و بعد هم نداشتن یاوری به جز خانواده از این دست.

خاطره فرقه‌ای نگاه کرد. غدیر در حقیقت معنای خود، مخصوص شیعه نیست. اگر شیعیان به میمنت نصب مولای متقیان به مقام امامت و ولایت، در این روز عید می‌گیرند و شکرگزاری می‌کنند؛ اما در حقیقت، روز غدیر امتداد خط همه رسالت‌های الهی و اوج این خط روشن و نورانی در طول تاریخ است. اگر به مضمون رسالت‌های الهی نگاه کنیم، می‌بینیم در طول تاریخ نبوت‌ها و رسالت‌ها، این خط روشن دست به دست گشته تا به نبی مکرم خاتم رسیده و در پایان حیات آن بزرگوار، تجسم و تبلور آن به شکل حادثه غدیر خود را نشان داده است.»(۱۳۸۰/۱۲/۱۷)

پدیده تکفیر که بیش از دو دهه بیشتر مناطق جهان اسلام را تحت تأثیر قرار داد و چهره اسلام و مسلمانان را در جهان مشوه نمود با داعیه رهبری جهان اسلام و احیای خلافت اسلامی به میدان آمد و حاصل آن خون‌ریزی‌های بی‌سابقه و آوارگی و ویرانی بخش‌های مهمی از کشورهای اسلامی بود.

ضربات و آسیب‌هایی که تکفیر و اندیشه احیای خلافت در عصر حاضر بر پیکره امت اسلام وارد آورد نشان داد جهان اسلام تا چه اندازه به دلیل انتظار و اشتیاق عمیق برای شکل‌گیری رهبری مبتنی بر سیره رسول اکرم(ص) در دوران کنونی می‌تواند به سمت مدل‌های مدعی، جذب و منحرف شود.

یکی از بزرگ‌ترین خطراتی که امت اسلام و تمدن مسلمانان را به عنوان یکی از دستاوردهای نهضت بزرگ پیامبر اکرم(ص) تهدید می‌کند، جایگزین شدن قرائت‌ها و مدل‌های بی‌ارتباط با وحی و سنت اصیل نبوی با همان اسلام ناب مبتنی بر تقلین یعنی قرآن و عترت است.

در شرایطی که بخش بزرگی از بحران‌های جاری در جهان اسلام به دلیل ضعف در حکمرانی است فقه